بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران

(به‌عنوان موردی مشابه بیماری هلندی)

پروانه جهانی رائینی*، امیر مرتضوی** و محمدمهدی مجاهدی***

در این مقاله تلاش شده است تا مبانی نظری بیماری هلندی مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از شاخصهایی، وجود یا عدم وجود آن در اقتصاد ایران آزمون شود. براساس ملاحظات نظری اولین نتیجه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات موادخام، تقویت پول ملی و رشد عرضه پول در درون نظام اقتصادی است که علاوه بر دامن‌زدن بر رشد مصرف در جامعه، با افزایش نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله در کنار ساختارهای غیر بهینه تولید، هزینه ثابت سرمایه و نیز هزینه ریالی تولید را افزایش می‌دهد و غیر رقابتی بودن محصول صنایع داخلی را تشدید می‌کند که همه این عوارض به‌عنوان آثار بروز بیماری هلندی در اقتصاد تلقی می‌شود. یکی از معتبرترین شاخصها جهت تأیید بیماری هلندی از بعد نظری و آماری، نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله است که در این مورد تفکیک آماری مشخصی در کشور وجود ندارد. اطلاعات آماری استخراج شده از شاخص جانشین بیان‌کننده آن است که با رشد درآمدهای نفتی نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله افزایش ملایمی را طی سالهای گذشته تجربه کرده است که در سالهای اخیر دارای رشد سریع‌تری نیز بوده است. این امر گمان ما را در مورد وجود سطح خفیفی از بیماری هلندی در کشور، به‌ویژه در سالهای اخیر تقویت می‌کند، هر چند که استفاده از در این رابطه همواره استنتاج نتایج قطعی را با تردید رو برو می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بیماری هلندی، اقتصاد ایران، درآمدهای نفتی، نسبت شاخص قیمت کالاهای غیر قابل مبادله به قابل مبادله.

---

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی، معاون مدیرکل دفتر تحقیقات و سیاستهای پولی و بازرگانی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی، کارشناس ارشد گروه تحقیقات و سیاستهای پول و بانکداری دفتر تحقیقات و سیاستهای پولی و بازرگانی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

*** دانشجوی دوره دکتری علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

۱. مقدمه

برای بیماری هلندی بر اساس آزمون آن در ساختارهای اقتصادی مختلف و اهداف مطالعات، تعاریف نزدیک به هم، اما متنوعی ارائه شده است. این تعاریف از زوایای متفاوتی به بیماری هلندی نگریسته‌اند، گاهی در این تعاریف عوارض بیماری براساس ساختار اقتصادی کشورهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته و به‌عنوان وجه تعریف بیماری هلندی عنوان شده است. گاهی در این بیماری علت شناسی و علل بروز آن وجه تعریف آن قرار گرفته است و بعضی اوقات به این بیماری از دیدگاه سازوکارها و فرآیندهای تأثیر آن بر اقتصاد برخی کشورها نگریسته شده و تعریف از بیماری یادشده با همین رویکرد صورت گرفته است. در این گزارش ضمن نگاهی اجمالی به تعاریف مختلف ارائه شده از این بیماری، مسئله با تأکید بر ساختار اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تلاش شده برخی شاخصهای اقتصادی که می‌تواند ابعاد این بیماری را در اقتصاد ایران نشان دهند استخراج و مورد تحلیل قرار گیرد. در پایان راهکارهایی برای ممانعت یا تخفیف آثار احتمالی این بیماری در اقتصاد ایران ارائه شده است.

۲. تعاریف

اصطلاح بیماری هلندی اولین بار برای توضیح پدیده‌ای که در هلند مشاهده شد، مورد استفاده قرار گرفت و این پدیده زمانی اتفاق افتاد که استخراج گاز طبیعی از دریای شمال شروع شد. در عمل بهره برداری از منابع طبیعی این کشور با کاهش تولید در سایر بخشهای اقتصادی همراه شد. همچنین افزایش عواید ارزی باعث شد نیروی کار و امکانات تولید از بخش صنعتی به بخشهای دیگر مثل خدمات اداری و ساختمان سازی انتقال یابد.[۱]

پس از اینکه در سال ۱۹۵۹ میلادی منابع عظیمی از گاز طبیعی در هلند کشف شد، تا سال ۱۹۷۶ بیش از ۲ میلیارد دلار به درآمدهای کشور اضافه شد، ضمن اینکه به میزان تقریبی ۳/۵ میلیارد دلار نیز صرفه‌جویی ارزی حاصل از بی نیازی به واردات به دست آمد، اما در این سال نسبت به ابتدای دهۀ ۱۹۷۰ میلادی سرمایه‌گذاری ناخالص شرکتها ۱۵ درصد و استخدام در بخش صنعتی ۱۶ درصد کاهش یافته بود، همچنین نرخ بیکاری از ۱/۱ به ۵/۱ درصد افزایش و سهم سود در درآمد ملی نیز از ۱۶/۸ در دهۀ ۱۹۶۰ به ۳/۵ درصد در نیمۀ اول دهۀ ۱۹۷۰ کاهش یافته بود. محققان این پدیده را چنین توجیه کردند که با افزایش درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی،

---

۱. حسن گلریز، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین المللی*، انگلیسی- فارسی ویرایش دوم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

مقادیر متنابهی ارز وارد کشور می‌شود. این مسئله موجب تقویت پول ملی شده و در نتیجه قیمت کالاهای قابل تجارت را نسبت به کالاهای غیرقابل تجارت کاهش می‌دهد، این موضوع سبب کاهش قدرت رقابت بخش تجاری اقتصاد شده و در عمل منابع تولید (سرمایه و کار) را روانه بخشهای منابع طبیعی و غیرتجاری اقتصاد می‌کند. از سوی دیگر با تقویت پول ملی قیمت کالاهای وارداتی کاهش می‌یابد و در نتیجه افزایش واردات سبب کاهش تولید انواع داخلی آنها می‌شود و در مجموع وجود این عوامل در کنار هم باعث بروز پدیده "صنعت زدایی" می‌شود. [۱]

بعدها تجربه‌های مشابهی در جامائیکا از ناحیهٔ صنعت بوکسیت و ونزوئلا در صنعت نفت تکرار شد[۲] و به واسطه تکرار این تجربه‌ها در سایر کشورها، مطالعات و تحقیقات علمی در این مورد گسترش یافت. با این حال محور تأکید مطالعات انجام شده در این مورد در کشورهای مختلف، متفاوت و تعریف ارائه شده از این بیماری براساس ساختار اقتصادی کشورها تعدیل شد.

در بیشتر تعاریف از بیماری هلندی، به آنچه سبب کندی رشد و حتی نزول وضع اقتصادی کشورهای دارای منابع غنی شود دلالت دارد[۳] به‌عبارت دیگر از این منظر پیش‌بینی می‌شود که بروز رونق صادرات مواد اولیه موجب افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی خواهد شد. این امر به افزایش تقاضای کل منتهی می‌شود که این خود افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با قیمت کالاهای قابل مبادله، تغییر در الگوی رفتاری دولت در مورد چگونگی جذب و تعدیل این درآمدها در داخل و خارج کشور و تغییر الگوی توسعه اقتصادی را در پی دارد.[۴]

در این راستا، بیماری هلندی به‌عنوان پیامدهای مضر حاصل از کشف منابع طبیعی اقتصاد ملی بر ساختار اقتصادی کشورها تعریف شده و رشد نامتوازن اقتصادی و تغییرات ساختاری حاصل از آن به‌عنوان بیماری هلندی مورد تأکید واقع شده است.[۵]

از این‌رو، رشد سریع و شکوفایی یک صنعت جدید باعث کاهش حجم فعالیت صنایع سنتی می‌شود. به همین دلیل از بیماری هلندی به‌عنوان پدیده صنعت زدایی[۶] در یک اقتصاد در نتیجه اکتشاف منابع طبیعی و بیش از حد تعیین کردن ارزش پول ملی تعریف می‌شود و بیماری

---

۱. نوروز کهزادی،"بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۴-۱۱.

2. Donald Rutherford, *Routledge Dictionary of Economics*, 2nd Edition, New York: Routledge, Taylor and Francis Group 2002, Pages 155-156

۳. نوروز کهزادی،"بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۴-۱۱.

۴. همان، ص ۲۰۶.

۵. همان، ص ۲۰۸-۲۰۷.

6. Deindustrialization

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

هلندی فرآیندی در نظر گرفته شده که باعث کاهش قدرت رقابتی کالاهای صنعتی در مقایسه با سایر کشورها می‌شود و نتیجه نهایی آن افزایش واردات و کاهش صادرات است.[۱] سازوکار تحلیلی این رویکرد تأثیر رشد درآمدهای حاصل از منابع طبیعی بر قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله بوده است.[۲] به عبارت دیگر با افزایش ناگهانی ارزش صادرات مواد معدنی، ترازپرداختها با مازاد روبرو می‌شود و با توجه به نظام ارزی آن کشور این امر افزایش ارزش پول کشور را به دنبال دارد. ترقی نرخ ارز موجب افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله می‌شود که در عمل نحوه تخصیص منابع را متأثر و آنها را به سمت کالاهای غیرقابل مبادله سوق می‌دهد. این امر تضعیف بخش قابل مبادله را در پی خواهد داشت.[۳]

در برخی رویکردها تأثیر این بیماری بر بازار نیروی انسانی مورد توجه بوده و تعریف ارائه شده نیز به فراخور هدف مطالعه و با محوریت بازار کار تعریف شده است. از این‌رو، عنوان شده است که رشد سریع برخی از صنایع موجب اختلاف قابل توجه دستمزدها در بخشهای مختلف می‌شود. از آنجا که صنایع جدید اغلب، توان مالی پرداخت دستمزدهای بالاتر را به نسبت سایر صنایع خواهند داشت، افزایش سطح دستمزد باعث بیکاری در سایر صنایع می‌شود. صنایع جدید موفق، صادرات بالایی دارند و باعث ایجاد یک مازاد ارز خارجی در کشور می‌شوند و به همین سبب ارزش پول ملی آن کشور بالا می‌رود. از این‌رو سایر صنایع توانایی رقابتی خود را از دست خواهند داد. نکته مهم آن است که این اتفاق در هلند پس از کشف گاز دریای شمال رخ داد.

در برخی از تعاریف، بیماری هلندی با عوارض حاصل از آن شناخته شده است. برای مثال برخی از نشانه های بروز بیماری هلندی به این شرح است:[۴]

- وابستگی شدید بودجهٔ دولت و تولید ناخالص داخلی به منابع طبیعی،
- ارزش‌گذاری بیش از حد پول ملی،
- افزایش واردات به‌دلیل تقویت پول ملی،
- کاهش صادرات کالاهای قابل مبادله،
- کاهش سرمایه‌گذاری صنعتی،
- افزایش فعالیت در بخشهای غیرقابل مبادله و صدور.

---

1. Oksand Dynikova/the Dutch Disease: Calibration for Russia/ Kirillsosuncv, WWW.nes.ru/english/about/10th-Annirersary/Presentations/Sosunov. pdf

۲. ناصر یداله‌زاده طبری، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. نوروز کهزادی، "بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۵-۱۴.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

برخی تعاریف در مورد این بیماری ناظر بر دلایل بروز آن بوده است.[۱] از مهم‌ترین علل یاد شده برای بیماری هلندی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ارزش‌گذاری بیش از حد پول ملی،
- افزایش قابل توجه درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی،
- کاهش سرمایه‌گذاری،
- نوسانات قیمت منابع طبیعی و نرخ ارز،
- رفتار رانت‌جویانه،
- احساس اطمینان اضافی،
- بی‌توجهی به سرمایه انسانی.

از نظر اقتصادی و جامعه شناسی سیاسی عنوان شده که برخی رژیمهای سیاسی به‌دلیل تأمین منابع درآمدی ماهیتاً رانتی هستند و تداوم وابستگی آنها به درآمد به‌دست آمده از محصولی خاص، موجب تغییرات قابل توجه در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود که در سایه آن، از نقطه نظر اقتصادی- برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد- رشد درآمدهای دولت رانتی از جانب آن محصول خاص، کاهش نرخ رشد اقتصادی آن کشور را به‌دنبال دارد.[۲]

همان‌طور که مشاهده می‌شود این تعریف به‌ویژه بر انحصار یک رژیم سیاسی بر درآمدهای به دست آمده از منابع طبیعی تأکید دارد و عوارض حاصل از افزایش درآمدهای دولت از جانب آن منبع خاص را با عنوان بیماری هلندی سیاسی تحلیل می‌کند.[۳]

با توجه به تنوع تعاریف ارائه شده از بیماری هلندی، به‌نظر می‌رسد که ارائه تعریفی مستقل از ساختار اقتصادی کشور مورد بحث دشوار باشد و اصرار بر تعریفی جامع و مانع از بیماری هلندی نیز به نتایج تحلیلی گمراه کننده‌ای بیانجامد. بنابراین بررسی این پدیده در کشور ما نیز باید بر اساس ساختار اقتصادی کشور مورد نظر قرار گیرد. این درحالی است که از ویژگیهای مهم اقتصاد ایران، انحصار طولانی دولت بر درآمدهای به دست آمده از نفت و به طریق اولی تعیین نحوه جذب منابع حاصل از این درآمد توسط دولت است که شرایط مشابه دولت رانتی را برای کشور، رقم‌زده است.

---

۱. همان، صفحات ۱۷-۱۵.

2. Rick Lam and Leonard Wantchekon, *Political Dutch Disease*, November, 2002, P. 2 www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch. pdf

۳. این دیدگاه اولین بار توسط دانشمندان علوم سیاسی در حوزه خاورمیانه مطرح شد. این دیدگاه عنوان می‌کند که علت بقاء بسیاری از رژیمهای سیاسی خودکامه در جهان سوم نظیر عراق ریشه در درآمدهای طبیعی دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

در توضیح تشابه دولت ایران با دولت رانتی باید اشاره کرد، از اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی با اهمیت یافتن عامل درآمد نفت در درآمدهای بودجه‌ای دولت، به نظر می‌رسد که دولت ایران رفته رفته به جرگه دولتهای رانتی پیوسته است. دولتهای رانتی دارای مشخصات واحدی هستند و به دولتهایی اطلاق می شوند که:[۱]

- قسمت بیشتر درآمد آنها از فروش مواهب طبیعی یا مالکیت منابع طبیعی (رانت) حاصل می‌شود.
- دسترسی به رانت، ارتباطی با سازوکارهای داخلی ندارد و بیشتر از طریق فروش این محصولات در بازارهای خارجی حاصل می‌شود.
- فقط درصد محدودی از نیروی کار فعال، مشغول تولید رانت هستند.
- دولت رانتی به تنهایی رانت را دریافت و آن را هزینه می کند.

با توجه به مطالب یادشده برای ارائه تعریف بیماری هلندی، متناسب با وضعیت کشور باید دو مسئله مهم مد نظر قرار گیرد. اول، به انحصار دولت بر منابع نفتی توجه شود. دوم، به نحوه جذب منابع حاصل از این درآمد در داخل و اولویتهای ملی کشور عنایت لازم صورت پذیرد. در ادامه پس از ارائه برخی مقدمات نظری، تعریفی از بیماری هلندی متناسب با ساختار اقتصادی کشور ارائه خواهد شد.

۳. تحلیل بیماری هلندی در الگوی تعادل حسابهای ملی

اگر بپذیریم که شکل‌گیری تعادل در ساختار اقتصادی کلان هر کشوری نیازمند برابری تراوشات و تزریقات است، به یقین نبودِ تعادل در بخشی از این تراوشات و تزریقات اگر از طریق بی‌تعادلی بخش دیگر جبران نشود، موجب عدم تعادل کل آن و اقتصاد کلان خواهد شد. در چنین فضایی اگر مفهوم بیماری هلندی، افزایش ناگهانی در درآمدهای ارزی حاصل از صادرات محصول خام تعریف شود که در فرآیند ورود این حجم بالای درآمد ارزی، امکان جذب کامل آن در بازار وجود ندارد، اولین نتیجه تزریق این درآمد حاصل از صادرات محصول خاص، شکل گیری بی‌تعادلی در اقتصاد کلان خواهد بود.

در این مورد اگر X ارزش کالاهای صادراتی M ارزش کالاهای وارداتی، G بودجه جاری و عمرانی دولت، T مالیات، S پس‌انداز ملی و I سرمایه‌گذاری تعریف شود، تعادل اقتصاد کلان منوط به آن است که:

---

۱. قدیر نصری، نفت و امنیت ملی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

$$C+I+G+X=C+S+T+M$$

در نتیجه:

$$I+G+X=S+T+M$$

$$(I-S)+(G-T)+(X-M)=\circ$$

بروز بیماری هلندی با فزونی یافتن ارزش محصول صادراتی آغاز می‌شود ($X > M$). بنابراین شرط برابری اتحاد ذکر شده ایجاب می‌کند تا توازن و تعادل اقتصاد از طریق افزایش M و یا تغییر در سایر اجزاء به گونه‌ای که ($G < T$) یا ($S > I$) باشد، برقرار شود.

به مفهوم دیگر بروز بیماری هلندی و افزایش شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات موجب عدم تعادل در اقتصاد می‌شود که این پدیده یا باید از طریق ممانعت از تزریق ارز نفتی به اقتصاد[1] مهار شود که با چنین شرایطی به‌طور طبیعی پس انداز ملی بر سرمایه‌گذاری فزونی خواهد یافت. یا راههای دیگری نظیر افزایش واردات یا کاهش مخارج دولت (مازاد بودجه) تجربه شوند.

بدیهی است که در صورت ممانعت از تزریق ارز در ابعاد یاد شده به اقتصاد یک کشور، موضوع بیماری هلندی به کلی منتفی خواهد بود. این در حالی است که با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش محصولی خاص توسط دولت، فشارهای اقتصادی و سیاسی درون نظام اقتصادی برای بهره‌برداری از این منابع باد آورده افزایش می‌یابد. در این زمینه توجیهات گسترده‌ای از سوی نیروهای اقتصادی و سیاسی برای مصرف این منابع در داخل ارائه می‌شود و بیشتر دولتها نیز عموماً وسوسه می‌شوند که از طریق پاسخگویی به برخی از این درخواستها به پیروزی اقتصادی و سیاسی قابل توجهی دست یافته و موضع سیاسی خود را تقویت کنند. در حالی که سرمایه‌گذاری این منابع در خارج همواره در معرض نقد و تشکیک قرار دارد.

رویکرد کاهش مخارج دولت برای ایجاد تعادل در اصل به دلیل همسویی دو متغیر صادرات و مخارج دولت در دولتهای رانتی - نظیر ایران - موضوعیت ندارد. افزایش بیش از اندازه مالیاتها در مقایسه با مخارج دولت نیز در واقع به دلایل عدیده برای توسعه قابل توجه پایه‌های مالیاتی یا نرخهای مالیات طی زمانی کوتاه ناممکن است. به‌عبارت دیگر ارز تزریق شده

۱. این رویکرد عملاً یکی از اهداف ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه کشور بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

به اقتصاد، به‌دلیل ضعف ساختارهای مالیاتی، کشش‌ناپذیری مالیات و تنگناهای متعدد در جذب مالیات به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ممکن نیست.[۱]

در نتیجه ساده‌ترین راه ممکن برای برقراری تعادل در چنین فضایی افزایش واردات است که به‌صورت ترکیبی از گزینه‌های یاد شده با محوریت واردات توسط دولتها دنبال می‌شود و همان طورکه در برخی تعاریف گفته شد رشد قابل توجه واردات به‌عنوان یکی از شاخصهای بروز این بیماری مورد توجه واقع می‌شود.

به بیان دیگر اگر اختلاف درآمد ملی و مصرف ملی یک کشور را به‌عنوان قدرت جذب تعریف کنیم، قدرت جذب محدود یک کشور می‌تواند عاملی برای گسترش واردات با چنین شرایطی ارزیابی شود. روشن است که این واردات می‌تواند با رویکرد گسترش سرمایه‌گذاری دولتی در اقتصاد دنبال شود، اما چنین شرایطی با ناکارآمدی سرمایه‌گذاریهای انجام شده و گسترش سهم دولت از اقتصاد ملی همراه است. به همین علت در بیشتر کشورها از روشهای مشابهی نظیر آنچه در ایران عنوان شده - یعنی تشکیل حساب ذخیره ارزی برای وام‌دهی به بخش غیردولتی- بهره گرفته شده است.[۲]

با عنایت به عرضه قابل توجه کالاهای قابل مبادله از طریق واردات، به‌طور طبیعی قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله افزایش خواهد یافت و همین امر بر تنور سفته بازی کالاهای غیرقابل مبادله خواهد دمید و در نتیجه پس‌اندازهای اندوخته شده دولتی و خصوصی به سوی بازارهای مطمئن و کم ریسک داخلی یعنی کالاهای غیرقابل مبادله سوق خواهند یافت که نمونه بارز آن را در بازارهای زمین و مسکن می‌توان شاهد بود. نتیجه عینی چنین پدیده‌ای در بازار زمین و مسکن (که محدودیتهای تولید و نبودِ امکان تأمین آن از خارج وجود دارد و به‌ویژه در کشوری مانند ایران از نبودِ امکان کنترل آن توسط دولت به دلیل سهم بسیار پایین دولت از بخش مسکن رنج می‌برد) تورم شدید به‌ویژه در ابتدای فرآیند رشد قیمت محصول صادراتی خواهد بود.

---

۱. همچنین باید اذعان کرد که برخلاف کشورهایی نظیر هلند، گذرگاه ورود درآمدهای ارزی به درون نظام اقتصادی اغلب کشورهای در حال توسعه، دولت است. در نتیجه رشد درآمدهای ارزی حاصل از فروش محصول خام بدون هیچ تأملی تأثیر خود را در افزایش بودجه دولت نشان خواهد داد که عدم تعادل در این شرایط به تناوب تشدید می‌شود.

۲. بخش دیگری از ماده ۶۰ قانون برنامه سوم ناظر بر تأمین مالی بخش خصوصی از محل بخشی از منابع حساب ذخیره ارزی بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

در دوره بعد افزایش ثروت حاصل از افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله، افزایش مصرف و رشد تقاضاهای مصرفی را به‌دنبال دارد که از طریق واردات محصولات قابل مبادله تأمین می‌شود.

به‌طور حتم عدم تعادلهای اقتصادی در فضای تعادل کلان که در مبحث تزریقات و تراوشات اشاره شد، در صورتی به سمت تعادل سوق خواهد یافت که شاخصهای تعدیل در این فضا کارکردهای مناسب داشته و وظیفه اصلی خود را به درستی انجام دهند. بنابراین در صورتی می‌توان بازگشت سریع تعادل به اقتصاد کلان را انتظار داشت که نرخهای بهره و نرخهای برابری پول ملی در برابر ارز خارجی به‌طور خودکار این تعادل را در بازار پول ایجاد کنند. میزان انعطاف‌پذیری نرخهای بهره و نیز اثرپذیری پول ملی در برابر ارز خارجی می‌تواند پایداری یا ناپایداری آثار مترتب بر بیماری هلندی را در ساختار اقتصادی یک کشور معین کند. در این رابطه چهار حالت ممکن از بازخورد راهبردهای مرتبط با نرخهای بهره ثابت یا منعطف در کنار نظامهای ارزی ثابت یا شناور قابل انتظار است.

۴. رویکردی نظری به آثار بیماری هلندی در ساختارهای اقتصادی مختلف

۴-۱. نظام نرخهای ارز ثابت در کنار نرخهای بهره غیرمنعطف

در این گزینه منبع اصلی تغییرات در عرضه پول از ذخایر ارزی خواهد بود. دولت برای تأمین مصارف بودجه خود با فروش ارز به بانک مرکزی، به رشد عرضه پول دامن می‌زند. افزایش داراییهای خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی و افزایش حجم عرضه پول را به‌دنبال خواهد داشت و این در حالی است که بانک مرکزی به دلیل کنترل دستوری نرخهای بهره، از امکانات محدودی برای کنترل نرخ رشد عرضه پول از طریق تغییر نرخهای بهره برخوردار است. قدرت انقباض پولی محدود سیستم به تشدید فرآیندهای تورمی خواهد انجامید و در شرایطی که نرخ ارز ثابت باشد این امر تقویت پول ملی و رشد واردات را در پی خواهد داشت. به‌علاوه در چنین نظامی ارزش‌گذاری نادقیق نرخ برابری پول ملی در برابر ارزهای خارجی، حاشیه سود مطمئنی را برای شکل‌گیری پدیده آربیتراژ فراهم می‌کند که خود می‌تواند به رونق بورس بازی در بازار کالاهای قابل مبادله، بی‌ثباتی بازار مالی و افزایش دامنه نوسانات نرخ تورم بیانجامد.

در حقیقت کنترل محدود مقام پولی بر رشد عرضه پول، ارزش‌گذاری ناصحیح نرخهای ارز و روند ورود و خروج جریانات کوتاه‌مدت سرمایه به چنین کشورهایی- به دلیل نرخهای ارز و بهره ثابت – شکل‌گیری تورم پولی با دامنه نوسانات زیاد را محقق می‌کند. این پدیده در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

کشورهایی مانند ایران امکان حفظ ثبات نرخ ارز و تقویت قابل توجه پول ملی را در یک افق بلندمدت محدود می‌کند. با این حال در کوتاه‌مدت رشد واردات قابل توجه بوده و همین امر افزایش عرضه محصولات قابل مبادله را در پی خواهد داشت که بر رشد قیمت محصولات غیرقابل مبادله بیش از پیش اثر می‌گذارد. نتیجه چنین پیامدی رکود صنایع غیرمدرن به دلیل واردات بی‌رویه و رکود تورمی در بخش غیرقابل مبادله به جهت افزایش قابل توجه قیمت آن از یکسو و کاهش تقاضای واقعی حاصل از فزونی قیمت از سوی دیگر است.

۲-۴. نرخهای ارز شناور- نرخهای بهره غیرمنعطف

در شرایط وجود نرخهای ارز شناور و نرخهای بهره غیرمنعطف، می‌توان انتظار داشت که ورود ذخایر ارزی به چنین کشوری در بازار داخلی از طریق افزایش قدرت پول ملی یا کاهش نرخ ارز تخلیه شود. در چنین شرایطی تأمین منابع بودجه دولت با فروش ارز در بازار داخلی نامطمئن خواهد بود و افزایش قدرت پول ملی، رشد واردات محصولات قابل مبادله را فزونی می‌بخشد. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که به‌دلیل رشد فزاینده واردات، سطح قیمتها در بخش کالاهای قابل مبادله در مقایسه با کالاهای غیرقابل مبادله با شدت بیشتری نسبت به حالت قبل کاهش یابد. در مقابل، صادرات کشور به‌دلیل تقویت پول ملی کاهش بیشتری یافته و صنایع داخلی به‌ویژه صنایع غیرمدرن و اغلب کوچک تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند.

در این زمینه ثبات نرخهای بهره وتقویت پول ملی موجب می‌شود که جریان ورودی سرمایه کوتاه‌مدت خارجی برای سرمایه‌گذاریهای پر سود و کوتاه‌مدت تقویت شود و انعکاس آن در بخشهای غیرقابل مبادله هم تشدید خواهد شد (آربیتراژ نرخ بهره). از این نظر احتمال بروز کاهش فعالیت در بخشهای غیرمدرن که بیشتر معطوف به بخش غیررسمی اقتصاد و صنایع کوچکتر هستند، فزاینده خواهد بود. همچنین افزایش قیمت در بخشهای غیرقابل مبادله تشدید خواهد شد. علاوه بر اینکه بازار ارز (جدای آثار روانی به بازار) در شرایط نبودِ سازوکارهای کنترل جریانهای کوتاه‌مدت سرمایه، از ناحیه شوکهای خارجی با نوسانات بیشتری روبرو خواهد شد. این شرایط می‌تواند مخاطرات حاصل از سفته بازی ارز را توأم با فشار بر رشد بخش خدمات به دنبال داشته باشد.[۱]

۱. اختر حسین و دانیس جودری، *سیاستهای پولی و مالی در کشورهای در حال توسعه، رشد و ثبات*، ترجمهٔ محمد آسیایی و مسعود باباخانی تهران، پژوهشکده امور اقتصاد ملی، ۱۳۸۲.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

۳-۴. نرخهای ارز ثابت - نرخهای بهره منعطف

هر چند ترکیب این دو رویکرد در یک اقتصاد دور از ذهن است، با این حال در نظامی که نرخهای ارز غیرمنعطف و نرخهای بهره منعطف وجود دارد و دولت برای تأمین نیازهای هزینه‌ای خود ارز حاصل از صادرات را از طریق بانک مرکزی به پول ملی تبدیل و مقدمات رشد عرضه پول را فراهم می‌کند، می‌توان تصور کرد که رشد عرضه پول قابل ملاحظه باشد. از سوی دیگر انعطاف‌پذیری نرخهای بهره در این شرایط امکان تعدیل از طریق نرخ بهره را فراهم می‌کند و امکان تغییرات سرمایه‌گذاری در مقابل نرخ بهره را افزایش خواهد داد و احتمال دارد با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی همراه باشد. در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد با رشد عرضه پول از یک سو به فراخور ساختار عرضه، نرخ تورم افزایش یابد. با چنین شرایطی با توجه به ثبات نرخ ارز، ارزش پول ملی تقویت شده، واردات ارزان شده و روند واردات تشدید می‌شود. این امر ارزان‌تر شدن قیمت کالاهای قابل مبادله را در مقایسه با کالاهای غیرقابل مبادله در داخل در پی خواهد داشت. کاهش نرخ بهره همچنین افزایش مصرف کالاهای مصرفی با دوام در جامعه را به دنبال دارد که رشد واردات کالاهای قابل مبادله را در این مسیر تسهیل می‌کند.

۴-۴. نرخ ارز شناور- نرخهای بهره منعطف

در چنین شرایطی جریان درآمدهای ارزی به کشور با شدیدترین میزان ممکن بر متغیرهای اقتصادی منعکس خواهد شد، هر چند سرعت تعدیل این متغیرها در اقتصاد بسیار کوتاه تر از سناریوهای قبل است. آثار کوتاه‌مدت بیماری هلندی بر اقتصاد چنین کشورهایی نیز رشد واردات و افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله و کاهش نسبت کالاهای قابل مبادله خواهد بود. سازوکار چنین سیستمی با توجه به موارد مطرح شده در سه گزینه اشاره شده پیش واضح و روشن به‌نظر می‌رسد.

همان طور که مشاهده می‌شود صرف نظر از نظام پولی و ارزی، واردات بی‌رویه و تورم عینی‌ترین پیامدهای تزریق ارز از جانب بودجه دولت در چنین اقتصادهایی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل دیگری نیز به‌وقوع بپیوندند. در حالی‌که سایر آثار و پیامدها می‌توانند براساس ساختار بازار مالی، نظام پولی وارزی و به‌ویژه کشش‌پذیری طرف عرضه در اقتصاد تأثیرگذار باشند. به‌علاوه هرچه سطح انعطاف‌پذیری نرخهای ارز و بهره افزایش یابند تعادلها سریع‌تر و انتظار تأثیرات آن بر متغیرهای اقتصادی شدیدتر خواهد بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

جدول شماره ۱. آثار بیماری هلندی در سناریوهای متفاوت نرخ ارز و نرخ بهره

نرخ بهره / ارز	ثابت	منعطف
ثابت	- رشد عرضه پول - بروز پدیده آربیتراژ نرخ بهره به شکل شدید - رشد واردات - رکود صنایع غیرمدرن و رونق صنایع مدرن - رکود تورمی در بخش غیرقابل مبادله	- پدیده آربیتراژ بهره به‌صورت ضعیف - رشد واردات - انتظار تورم براساس ساختار عرضه تولیدات داخلی و کالاهای غیرقابل مبادله - تغییر سبد سرمایه‌گذاری با افزایش سهم سرمایه‌گذاری داخلی
شناور	- افزایش قدرت پول ملی - رشد قابل توجه واردات - کاهش قابل توجه صادرات به‌دلیل تقویت پول ملی - بروز پدیده آبیتراژ بهره - بی‌ثباتی در نرخ ارز - فرار سرمایه از بخشهای مولد به بخشهای غیرمولد - رکود صنایع غیرمدرن و رونق صنایع مدرن - تورم رکودی در بخش غیرقابل مبادله	- تعادل سریع در اقتصاد با توجه به ساختارهای اقتصادی - انعکاس شدید آثار تزریق ارز در اقتصاد بر متغیرهای واردات، جریانات سرمایه کوتاه‌مدت نرخ ارز، تورم در کوتاه‌مدت

همچنین پیش‌بینی می‌شود که واردات بی‌رویه از طریق افزایش آسیب‌پذیری صنایع غیرمدرن، تولید ملی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. میزان تأثیر سوء چنین روندی بر تولید ملی و صادرات با توجه به سطح حمایتهای تجاری در این کشورها و توانایی رقابت‌پذیری صنایع داخلی در صحنه بین الملل متفاوت خواهد بود. با وجود این تا آنجا که به نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله در چنین کشورهایی مربوط می‌شود، عوامل متعدد و غیر هم جهتی دست‌اندرکارند تا نسبت آن را برهم زنند. واردات به افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله تمایل نشان می‌دهد، در حالی‌که مواردی نظیر آربیتراژ بهره و تغییر تقاضای سرمایه‌گذاری می‌توانند هم جهت یا در خلاف جهت آن عمل کنند، بنابراین آنچه می‌تواند یک کشور دارای بیماری هلندی را از یک کشور عاری از آن متمایز کند همزمانی دو پدیده رشد درآمدهای حاصل از محصولی خاص در اقتصاد و تغییر معنادار نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله خواهد بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

۵. بررسی روند برخی از شاخصهای بیماری هلندی

برای آزمون فرضیه وقوع بیماری هلندی- در اقتصاد ایران- در سالهای رونق درآمدهای نفتی، اولین گام استخراج برخی از شاخصهای تبیین کننده این بیماری و مقایسه روند آنها با درآمد نفت است.

همان‌گونه که اشاره شد، براساس ملاحظات نظری، در شرایط بروز بیماری هلندی پیش‌بینی می‌شود رونق صادرات مواد اولیه موجب افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور شود و در اثر افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با قیمت کالاهای قابل مبادله، ساختار اقتصادی و الگوی رفتاری دولت در مورد چگونگی جذب و تعدیل این درآمدها در داخل و خارج کشور تغییر کند. حتی شواهد نشان می‌دهد که در صورت تداوم این روند الگوی توسعه‌ای که توسط دولت تعقیب می‌شود با تغییرات قابل ملاحظه‌ای روبرو می‌شود. این تغییرات به صورت تضعیف بخشهای تولیدکننده کالاهای قابل مبادله (عموماً در حوزه بخشهای کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخشهای غیرقابل مبادله (عموماً ساختمان و خدمات) خود را نشان می‌دهد. یک چنین رشد نامتوازن و تغییرات ساختاری "بیماری هلندی" نامیده می‌شود.[۱]

۵-۱. بررسی روند درآمدهای نفتی با نسبت شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله به کالاهای غیرقابل مبادله

بیماری هلندی با جهش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولیدکننده کالاهای صادراتی (معمولاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) آغاز می‌شود و افزایش درآمدهای ارزی باعث افزایش درآمد ملی و به نوبه خود افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم غیرقابل مبادله می‌شود. با توجه به کم کشش بودن عرضه داخلی - در کوتاه مدت - دولتها معمولاً برای پرکردن شکاف عرضه و تقاضا و کنترل تورم، اقدام به واردات می‌کنند. روشن است که این اقدام فقط کالاهایی را در بر می‌گیرد که از توانایی مبادله بین‌المللی برخوردارند، این در حالی است که کالاهای غیرقابل مبادله نظیر راه، ساختمان و نظایر آن در حد عرضه داخلی باقی می‌مانند. از اینرو در حالی‌که قیمت کالاهای قابل مبادله - با افزایش عرضه از طریق واردات- تقریباً در حد قبلی تثبیت می‌شود، قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به دلیل فشار تقاضا افزایش می‌یابد. به این ترتیب، از طریق موارد یادشده قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله افزایش خواهد یافت.

---

۱. ناصر یدا ...زاده طبری، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، خرداد و تیر ۱۳۷۹، ص ۲۰۶.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

بررسی شاخص یادشده، نیاز به تعریف و شناسایی بخشهای غیرقابل مبادله و قابل مبادله دارد. تعریف این دو بخش در کشورهای در حال توسعه مانند برخی از کشورهای توسعه یافته تا حدودی دشوار است. به‌طور کلی باید گفت هیچ دلیل ذاتی در مورد این کالاها و خدمات وجود ندارد که آنها را به‌صورت غیرقابل مبادله درآورد، بلکه کالاهای غیرقابل مبادله آن دسته کالاها هستند که به‌دلیل حجم زیاد و ارزش پایین که مانع سودآوری تجاری آنهاست، یا به‌دلیل حمایتهای دولت (تعرفه یا سهمیهٔ واردات) و کنترل قیمتهای داخلی وارد عرصهٔ تجارت جهانی نمی‌شوند. از این‌رو، براساس گفته وان وین برگن[1]، بخش تولید کالاهای ساخته شدهٔ کارخانه‌ای (در بسیاری از کشورها) از طریق برقراری سیستم سهمیه‌ها حمایت می‌شود، به طوری که محصولات این بخشها حالت نیمه مبادله‌ای دارد. از این‌رو افزایش درآمدهای نفتی از طریق اثر افزایش تقاضا، سبب ترقی قیمت نسبی بخش کالای ساخته شده کارخانه‌ای داخلی می‌شود و این بخش را مانند بخش تولیدکننده کالاهای غیرقابل مبادله، توسعه می‌دهد. یکی از دلایل تضعیف نشدن مطلق بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه (نظیر ایران) پس از رونق، همین عامل (حمایت) بوده است.[2]

ملاحظات دیگری نیز در مورد تقسیم‌بندی کالاها به قابل مبادله و غیرقابل مبادله وجود دارد. در این تحقیق به‌دلیل محدودیتهای آماری از شاخص قیمت کالاهای بخش کشاورزی به عنوان شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله و از شاخص قیمت بخشهای ساختمان و خدمات به‌عنوان شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله استفاده شده است.[3]

برای تحصیل شاخص بیماری هلندی[4] (DDI)، شاخص کالاهای قابل مبادله بر شاخص کالاهای غیرقابل مبادله تقسیم شده است، افزایش DDI معرف افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله نسبت به کالاهای غیرقابل مبادله است و کاهش DDI نشان‌دهنده افزایش نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله است.

مطابق مباحث نظری مطرح شده پیش‌بینی می‌شود در شرایط بیماری هلندی، حجم واردات کالاها به کشور افزایش یافته و رشد قیمتها در بخش غیرقابل مبادله– به‌دلیل محدودیتهای تولید–افزایش

---

1. Van Wignbergen

۲. همان ص ۲۱۰.

۳. برخی از زیربخشهای بخش خدمات قابل مبادله هستند، در حالی‌که برخی کالاها در بخش کشاورزی کالاهای غیرقابل مبادله هستند. بدیهی است که تفکیک دقیق دو نوع کالا نیاز به مطالعات گسترده‌تری دارد. منتها فرض آن است که در بخش کشاورزی بیشتر با کالاهای قابل مبادله روبرو باشیم و در بخش خدمات کالاهای غیرقابل مبادله وزن بیشتری داشته باشند.

4. Dutch Disease Index

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

یابد با چنین شرایطی می‌بایست DDI کاهش یابد، در حالی‌که در شرایط عادی DDI نوسان کمتری داشته باشد. همچنین برای سهولت تحلیل می‌توان از عکس شاخص یادشده ($\frac{۱}{DDI}$)، برای تحلیل آثار بیماری هلندی در بخش غیرقابل مبادله اقتصاد استفاده کرد.

در این راستا بررسی روند شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۳۸ بیان کننده آن است که طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۳۸ با وجود افزایش شدید درآمدهای نفتی طی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶، شاخص یادشده دارای تغییرات ملایمی بوده است. در واقع طی سالهای پیش از انقلاب، با توجه به سیاست دولت مبنی بر جذب فوری و نه تدریجی درآمدهای نفتی در داخل کشور به همراه افزایش سریع اعتبارات نظام بانکی، تقاضای کل به شدت افزایش یافته است. افزایش تقاضای داخلی به معنی افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم برای کالاهای غیرقابل مبادله بوده است. تقاضا برای کالاهای قابل مبادله از طریق افزایش سریع واردات پاسخ داده شده است، به‌طوری که طی سالهای (۱۳۵۶-۱۳۵۲) در مجموع ۶۵/۷ میلیارد دلار واردات کالایی انجام شده است و واردات به میزان سالیانه ۴۳/۱ درصد رشد داشته است. با این حال افزایش سریع واردات تا حدودی در تخفیف فشارهای تورمی کالاهای قابل مبادله مؤثر بوده است، ولی موجب تشدید تنگناهای زیربنایی در زمینه تخلیه، انبارداری، ترخیص کالا، حمل و نقل و توزیع کالاهای وارداتی شد و از این طریق، افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله را در پی داشت.

در همین دوره فشارهای تورمی حاصل از افزایش تقاضا، نبودِ تعادلهای اصلی در سطوح مختلف اقتصاد کشور به‌وجود آورد که فقط به افزایش درآمدهای نفتی معطوف نبود. در میان بخشهای مختلف، بخش مسکن و ساختمان به‌دلیل افزایش سریع درآمدها و تشدید روند مهاجرت به شهرها با بی‌تعادلی شدیدتری روبرو شد و در نتیجه موجب ترقی بهای زمین، مصالح ساختمانی و دستمزد کارگران ساختمانی شد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

جدول شماره ۲. مقایسه درآمد نفت و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله

سال	درآمد نفت (میلیون دلار)	۱/DDI
۱۳۳۸	۳۳۵/۵	۰/۵۸
۱۳۳۹	۳۵۸/۷	۰/۴۴۹۵
۱۳۴۰	۳۹۰/۱	۰/۴۲۹۸
۱۳۴۱	۴۳۷/۲	۰/۴۲۳۶
۱۳۴۲	۴۷۰/۸	۰/۵۷۳۵
۱۳۴۳	۵۵۵/۴	۰/۵۳۸۳
۱۳۴۴	۶۰۷/۵	۰/۵۴۸۳
۱۳۴۵	۷۱۵/۸	۰/۵۵۲۲
۱۳۴۶	۸۴۷/۹	۰/۵۵۵۲
۱۳۴۷	۹۵۸/۵	۰/۵۱۹۴
۱۳۴۸	۱۰۹۹	۰/۴۹۰۷
۱۳۴۹	۱۲۶۸/۴	۰/۴۶۸۵
۱۳۵۰	۲۱۱۴/۱	۰/۵۲۴۳
۱۳۵۱	۲۵۳۶	۰/۴۸۳
۱۳۵۲	۸۳۱۸	۰/۵۶۳۲
۱۳۵۳	۲۱۰۱۴	۰/۴۶۴۷
۱۳۵۴	۲۰۰۳۴	۰/۴۹۹۹
۱۳۵۵	۲۴۱۷۹	۰/۵۳۹۹
۱۳۵۶	۲۳۴۵۱	۰/۶۶۹۲
۱۳۵۷	۱۸۱۱۵/۷	۰/۶۲۸۱
۱۳۵۸	۱۹۳۸۶/۲	۰/۶۱۶۴
۱۳۵۹	۱۱۶۴۸	۰/۶۲۴۶
۱۳۶۰	۱۲۴۵۵	۰/۵۹۱۲
۱۳۶۱	۲۰۰۴۹/۸	۰/۵۶۸
۱۳۶۲	۲۰۴۵۶/۸	۰/۶۵۵۹
۱۳۶۳	۱۶۶۶۳/۲	۰/۶۹۴۳
۱۳۶۴	۱۳۹۶۷/۷	۰/۷۴۸۴
۱۳۶۵	۵۹۸۲/۳	۰/۷۹۷۲
۱۳۶۶	۹۱۸۹/۲	۰/۷۸۹۱
۱۳۶۷	۷۵۹۹	۰/۸۹۹۲
۱۳۶۸	۱۱۹۹۳/۲	۰/۸۵۶

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

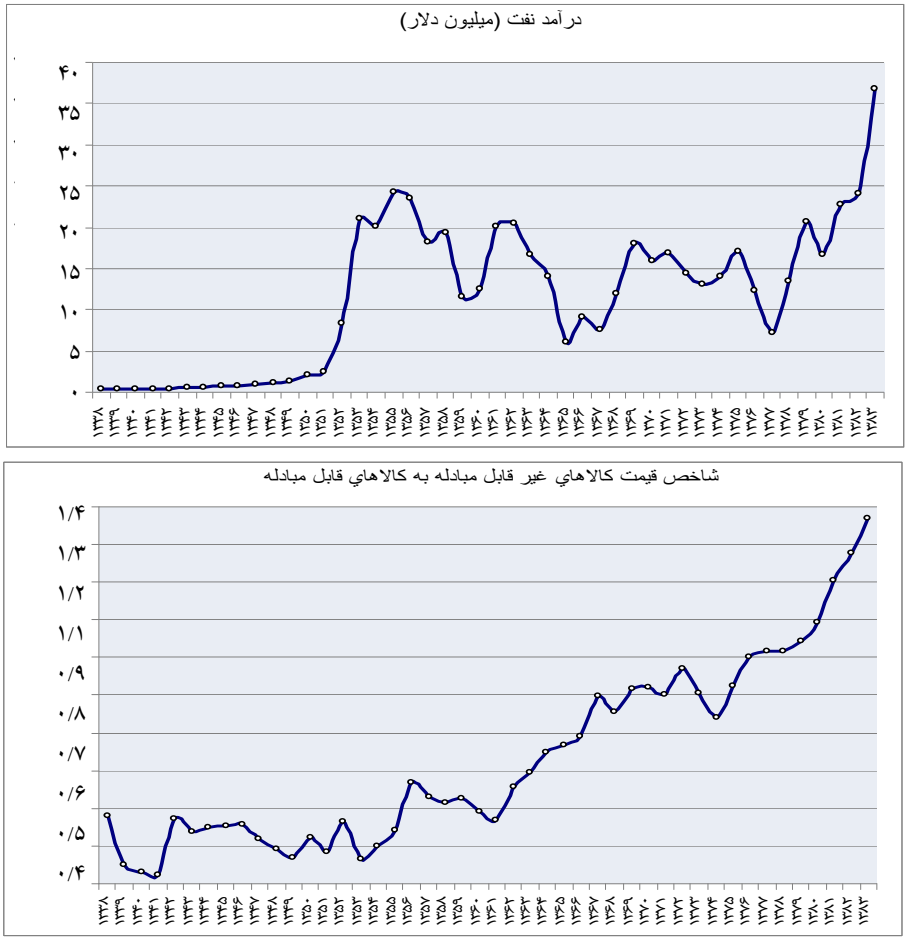
ادامه جدول شماره ۲

سال	درآمد نفت (میلیون دلار)	۱/DDI
۱۳۶۹	۱۷۹۹۳	۰/۹۱۷۱
۱۳۷۰	۱۶۰۱۲	۰/۹۲۱۷
۱۳۷۱	۱۶۸۸۰	۰/۹۰۳۲
۱۳۷۲	۱۴۳۳۳	۰/۹۷۱۸
۱۳۷۳	۱۳۰۴۶	۰/۹۰۵۴
۱۳۷۴	۱۴۰۳۶	۰/۸۳۸۷
۱۳۷۵	۱۷۰۸۷	۰/۹۲۴۷
۱۳۷۶	۱۲۳۷۰	۱
۱۳۷۷	۷۱۸۳	۰/۰۱۵
۱۳۷۸	۱۳۴۹۴	۰/۰۱۶۲
۱۳۷۹	۲۰۶۰۷	۱/۰۴۳۹
۱۳۸۰	۱۶۷۵۴	۱/۰۹۳۷
۱۳۸۱	۲۲۸۰۷	۱/۲۰۴۲
۱۳۸۲	۲۴۱۲۱/۷	۱/۲۷۸
۱۳۸۳	۳۶۸۲۷	۱/۳۶۹۳

ضریب همبستگی: ۰/۵۹۸۶

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

نمودار ۱. مقایسه درآمد نفت و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله



مأخذ:ترازنامه بانک مرکزی

به‌طور خلاصه طی سالهای پیش از انقلاب با وجود افزایش شدید درآمدهای حاصل از صدور نفت‌خام، به‌دلیل افزایش قیمت در هر دو بخش کالاهای قابل مبادله و کالاهای غیرقابل مبادله، شاخص قیمتهای نسبی روند ملایمی را طی کرد. لازم به یادآوری است که این امر را نمی‌توان ناظر بر ردّ یا قبول فرضیه وجود بیماری هلندی طی این سالها دانست، زیرا به‌رغم رشد واردات، به‌دلیل محدودیت زیربناها اعم از بندر، راه، انبار، حمل ونقل و نظایر آنها، همچنین تورم جهانی در بخش کالاهای قابل مبادله نیز افزایش چشمگیری داشته است. در عین حال، رشد سریع قیمتها در بخش مسکن و ساختمان طی این سالها نیز به‌شدت از روند توسعه شهرنشینی و مهاجرت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

از روستا به شهر، ارتقای الگوی مصرف و نظایر آن متأثر شده است و برآیند این نیروها در نهایت به روند خلاف نظریه متغیر نسبت کالاهای غیر قابل مبادله به قابل مبادله در برخی سالها - بر اساس شاخص معرفی شده- انجامیده است.

بررسی روند تغییر درآمدهای نفتی و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله طی سالهای پس از انقلاب، در مجموع افزایش ملایم این شاخص را نشان می‌دهد که در سالهای اخیر دارای رشد سریع‌تری نیز بوده است.

به بیان دیگر افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت‌خام و تزریق آن به اقتصاد کشور موجب افزایش شدیدتر قیمتها در کالاهای غیرقابل مبادله (ساختمان و مسکن) طی این سالها شده است و این مسئله را می‌توان به‌عنوان یکی از علائم بروز بیماری هلندی طی سالهای مورد بحث قرار داد.

در نگاهی دقیق‌تر به آمارها طی سالهای پس از انقلاب در حقیقت سال ۱۳۶۲ را می‌توان نقطه آغازین حرکت شاخص $\frac{۱}{DDI}$ در اقتصاد کشور دانست. به گونه‌ای که با رشد فزاینده درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام حرکت افزایش شاخص آغاز شده و به‌رغم کاهش در درآمدهای ارزی حاصل از نفت و وجود هزینه‌های سنگین جنگ و بازسازی به‌ویژه در سالهای۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ باز هم شاهد رشد فزاینده قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در کشور هستیم. این روند با کاهش درآمدهای نفت در سال ۱۳۷۵ روندی نزولی یافته است، ولی به احتمال زیاد می‌توان گفت افزایش درآمدهای نفت به‌ویژه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در افزایش این شاخص نقش داشته است، علاوه بر اینکه اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری و دریافت وام از بانک جهانی می‌تواند توجیه‌کننده افزایش این شاخص در اوایل دهۀ ۷۰ به‌رغم کاهش درآمدهای نفتی باشد.

۲-۵. سهم ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت

براساس الگوی کلاسیک بیماری هلندی، پیش‌بینی می‌شود که با افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور، در اثر افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله، تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور به‌صورت تضعیف بخشهای تولیدکننده کالاهای قابل مبادله

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

(کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخشهای غیرقابل مبادله (خدمات و ساختمان) پدیدار شود.[۱]

مطالعات تجربی در مورد بیشتر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، برخلاف مدل اصلی بیماری هلندی، نشان‌دهنده آن است که بخش صنعت در دهه ۱۹۷۰ رشد یافته و از سوی دیگر بخش کشاورزی در این کشورها تضعیف شده است. در همین راستا فردمنش[۲] با واردکردن اثر قیمت جهانی نفت بر مدل کلاسیک بیماری هلندی، الگویی را برای کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت ارائه و پیش‌بینی کرده است که پس از افزایش درآمدهای نفتی، این کشورها دچار پدیده ضد کشاورزی شده اند.

آنچه در کشور ما می‌توان پیش از هرگونه بررسی آماری بیان داشت این است که ارتباط پیشین و پسین بخش نفت با سایر بخشهای اقتصادی بسیار محدود است، همچنین این بخش، نقش مهمی در تأمین درآمدهای ارزی دارد و عملکرد آن در بازارهای جهانی تعیین می‌شود در حالی‌که نحوه عملکرد بخش کشاورزی و صنعت به عوامل داخلی بستگی دارد.

به‌عبارت دیگر، نقش اساسی صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی بوده و تنها کارکرد اساسی آن تأمین ارز مورد نیاز بخشها بوده است. دستگاههای عظیم برای اکتشاف و استخراج و صدور نفت‌خام به‌وجود آمده تا فقط به کسب درآمد ارزی برای دولت بپردازد، بی‌آنکه پیوند لازم را با سایر بخشهای اقتصادی ایران برقرار کند، به‌طوری که آثار پیوستگی مستقیم اعم از آثار پیشین و پسین این صنعت با سایر بخشهای اقتصادی نظیر صنعت و کشاورزی در حد بسیار ناچیزی باقی مانده است[۳]. بنابراین در بررسی آماری سهم ارزش افزوده بخشها از تولید ناخالص داخلی نه تنها توجه به مباحث یادشده ضروری است بلکه نکات دیگری باید مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

نخست، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بیش از آنکه تحت تأثیر افت و خیزهای درآمد نفت باشد، متأثر از میزان بارندگی و شرایط اقلیمی و نظایر آن است، دوم، در مسیر توسعه اقتصادی - جدا از تزریق درآمد نفت یا افزایش آن - سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

---

۱. همان

۲. محسن فردمنش، *تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

۳. احمد شهشهانی، *الگوی اقتصادسنجی و کاربردهای آن*، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۷.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

بنابراین تنها متغیری که در این بخش می‌تواند نشان‌دهنده وقوع بیماری هلندی در اقتصاد باشد، سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است. به بیان دیگر پیش‌بینی می‌شود در صورت وجود بیماری هلندی با افزایش درآمدهای نفتی، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کاهش یابد و بیماری هلندی پدیده "ضد صنعتی" را به همراه داشته باشد.

در کل دوره مورد بررسی(۱۳۸۳-۱۳۳۸) ضریب همبستگی بین درآمدهای نفتی و سهم بخش صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی، مثبت ولی بسیار کم بوده است. (جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳. مقایسه سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی

سال	رشد درآمدهای نفتی	سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت)
۱۳۳۸	-	۷/۲۲
۱۳۳۹	۶/۹۲	۷/۲۱
۱۳۴۰	۸/۷۵	۸/۰۲
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۸/۰۸
۱۳۴۲	۷/۶۹	۸/۷۶
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۸/۳۷
۱۳۴۴	۹/۳۸	۸/۹۹
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۸/۷۳
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۸/۹۴
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۹/۳
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۹/۲۳
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۹/۵۷
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۹/۵۶
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۹/۲۴
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۱۰/۸۱
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۰/۸۷
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۱۱/۳۹
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	۱۴/۲۳
۱۳۵۶	-۳/۰۱	۱۳/۵۹
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	۱۵/۴۲
۱۳۵۸	۷/۰۱	۱۳/۲۶
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۱۶/۳۳
۱۳۶۰	۶/۹۳	۱۶/۳۸
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۱۴/۹۷

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

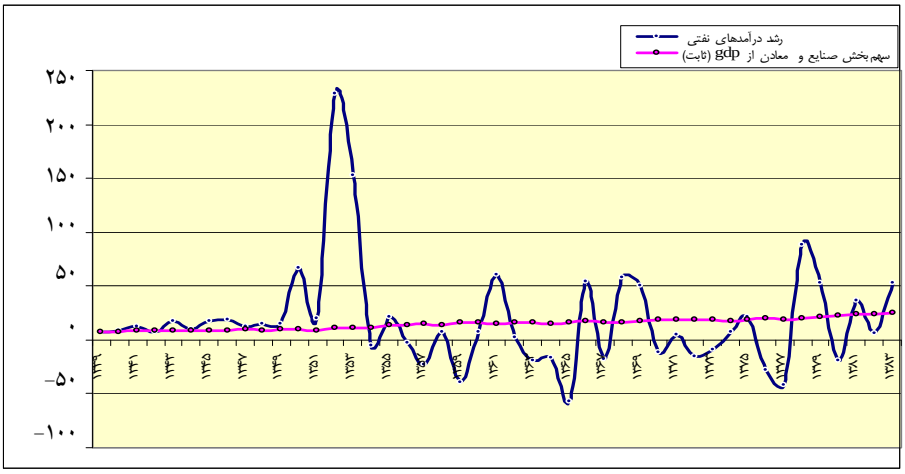
ادامه جدول شماره ۳

سال	رشد درآمدهای نفتی	سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت)
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۵/۶۳
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	۱۵/۷
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۱۴/۷۹
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	۱۶/۴۱
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	۱۷/۳۲
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۱۶/۲۵
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۱۵/۶۸
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۷/۳۸
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۹/۰۱
۱۳۷۱	۵/۴۲	۱۸/۶۳
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	۱۸/۳۴
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۱۸/۳۹
۱۳۷۴	۷/۵۹	۱۷/۶۱
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۱۹/۳۲
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۲۰/۰۳
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	۱۸/۷۳
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۲۰/۱۴
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۲۱
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۲۲/۴۱
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۲۳/۴۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۲۳/۶۷
۱۳۸۳	۵۲/۷	۲۴/۴۸

ضریب همبستگی: ۰/۷۴۳۰

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

نمودار ۳. مقایسه سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی



مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی

برای بررسی دقیق‌تر وضع بخش صنعت در رابطه با تغییرات تولید ناخالص داخلی به مقایسه دو متغیر رشد درآمدهای نفتی و رشد ارزش افزوده صنایع و معادن پرداخته شده است. ضریب همبستگی بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی مثبت ولی کمتر از ۵۰ درصد بوده است. (جدول شماره ۴)

به بیان دیگر بخش صنعت و معدن در ایران برخلاف تجربه کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه نظیر کویت و عربستان سعودی، با پدیده "ضد صنعتی" روبرو نبوده است. یکی از دلایل مهم این امر - در طرف تقاضا – حمایتهای دولت از بخش صنعت بوده است. این امر موجب بی نیازی این بخش به بازارهای خارجی و اتکاء آن به بازارهای داخل بوده است.

به طور خلاصه در اقتصاد ایران، مقایسه سهم ارزش افزوده بخشهای مختلف از تولید ناخالص داخلی با درآمدهای نفتی، نمی‌تواند به‌عنوان شاخصی مناسب برای بررسی پدیده بروز بیماری هلندی محسوب شود زیرا بخش صنعت به‌دلیل حمایتهای دولت، متکی به بازارهای داخلی است و با افزایش تزریق درآمدهای ارزی بروز پدیده ضد صنعتی دور از انتظار است. از آنجا که ارزش افزوده بخش کشاورزی نیز بیش از وابستگی به نفت به میزان بارندگی وابسته است، با افزایش درآمدهای نفتی پدیده ضد کشاورزی نیز رخ نخواهد داد یا وقوع آن را نمی‌توان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

به نوسانات درآمد نفت تعبیر کرد. رشد بخش خدمات نیز بیش از اینکه وابسته به درآمد نفت باشد به فرآیند توسعه اقتصادی کشور وابسته است.

جدول شماره ۴. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی

سال	رشد درآمدهای نفتی	رشد ارزش افزوده صنایع و معادن – ثابت
۱۳۳۸	–	
۱۳۳۹	۶/۹۲	۱۰/۲
۱۳۴۰	۸/۷۵	۱۹/۴
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۷/۲
۱۳۴۲	۷/۶۹	۱۴/۵
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۲/۷
۱۳۴۴	۹/۳۸	۲۴/۴
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۶/۲
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۳/۵
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۱۶/۷
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۱۱/۸
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۱۳/۹
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۱۳/۵
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱۲/۸
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۲۵/۷
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۳/۱
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۹/۹
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	۴۶/۹
۱۳۵۶	-۳/۰۱	-۶/۷
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	۵/۱
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۱۷/۶
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۴/۵
۱۳۶۰	۶/۹۳	-۴/۱
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۲/۸
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۶
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۲۰/۵
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۱/۸
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	-۱۳/۷
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	۱۴/۴
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۸/۸

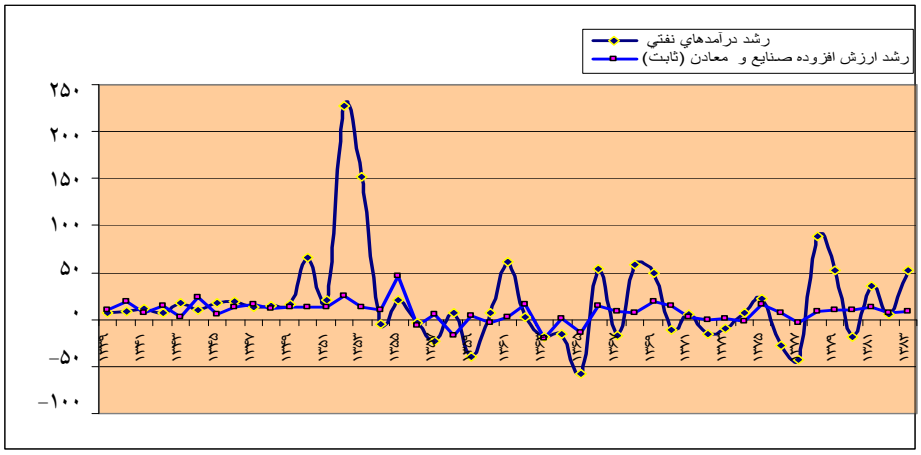
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

ادامه جدول شماره ۴

سال	رشد درآمدهای نفتی	رشد ارزش افزوده صنایع و معادن – ثابت
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۷/۱
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۹/۶
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۴
۱۳۷۱	۵/۴۲	۱/۹
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	-۰/۱
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۰/۸
۱۳۷۴	۷/۵۹	-۱/۵
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۱۶/۴
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۶/۶
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	-۳/۸
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۹/۲
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۹/۵
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۱۰/۲
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۱۲/۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۷/۸
۱۳۸۳	۵۲/۷	۸/۴

ضریب همبستگی: ۰/۰۹۲۸-

نمودار ۴. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی



[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

۳-۵. مقایسه درآمدهای نفتی و واردات

یکی از بخشهایی که در پی شوک نفتی دستخوش تغییرات می‌شود، بخش تجارت خارجی و به‌طور مشخص واردات کالاها است که در بخش قبل به‌عنوان یک عامل عینی و مستقل از ساختار اقتصادی و نظام مالی آنها مورد تأکید قرار گرفت. البته با توجه به شرایط هر کشور متغیرهای متفاوتی می‌تواند بر واردات آن کشور اثر بگذارد و حجم و ترکیب آن را تعیین کند. در کشور ما بیشتر درآمدهای ارزی، از فروش نفت به دست می‌آید و احتمال دارد که با افزایش درآمدهای نفتی، واردات افزایش یابد. واردات نیز با توجه به اینکه کالای سرمایه‌ای، واسطه‌ای یا مصرفی چه سهمی از آن را تشکیل بدهد آثار گوناگونی بر اقتصاد به‌جا می‌گذارد. بنابراین واردات یکی از مجراهای انتقال افزایش درآمدهای نفتی به سایر بخشهای اقتصاد محسوب می‌شود که علاوه بر پاسخگویی به تقاضای ایجاد شده، موجب رشد یا تضعیف بخش مبادله پذیر می‌شود.[۱]

در ایران درآمدهای نفتی منبع اصلی درآمدهای ارزی به شمار می‌آید. در نتیجه افزایش صادرات نفتی تأثیر قابل توجهی به تقاضای واردات داشته به گونه‌ای که واردات ایران از ۸۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۴ به حدود ۱۱۸۶/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۴ رسیده است، یعنی حدود ۱/۳ برابر شده است. همراه با بالا رفتن درآمد نفتی، واردات از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶، به طور متوسط سالیانه حدود ۴۰/۶ درصد افزایش یافته است. طی سالهای اخیر نیز با افزایش درآمدهای نفتی، واردات هر سال با رشد قابل توجهی روبرو بوده است. به‌این ترتیب واردات را نمی‌توان به عنوان یکی از عاملهای اصلی در تشدید بیماری هلندی دانست و اثر آن را در کنار اثر حرکت منابع و اثر مخارج برای تحلیل آثار بیماری هلندی به کار گرفت. لازم به یادآوری است که افزایش در واردات به خودی خود، شاخصی برای بیان بیماری هلندی نیست، بلکه این شاخص فقط یکی از عوامل تشدید آن است.

برای بررسی دقیق‌تر رابطه رشد واردات و درآمدهای نفتی، به مقایسه رشد درآمدهای نفتی و نرخ رشد نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی می‌پردازیم.

---

۱. صادق بختیاری، "بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی"، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۵، پائیز ۱۳۸۰.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

جدول شماره ۵. مقایسه نرخ رشد (GDP / واردات) با رشد درآمدهای نفتی

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد (GDP/ واردات)
۱۳۳۸	–	
۱۳۳۹	۶/۹۲	-۴/۷۰۱
۱۳۴۰	۸/۷۵	-۸/۷۷۷
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	-۱۳/۴۶۲
۱۳۴۲	۷/۶۹	-۷/۹۷۵
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۳۱/۳۳۱
۱۳۴۴	۹/۳۸	۲/۱۷۷
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۸/۵۱۲
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۱/۹۹۳
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۴/۹۰۴
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۳/۴۳۶
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۱/۵۷
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۰/۳۴۱
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱/۴۳۹
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	-۵/۵۲۶
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۲/۲۷۴
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۵۰/۶۷۷
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	-۱۹/۲۱۶
۱۳۵۶	-۳/۰۱	۴/۹۱۳
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	-۲۴/۳۶۴
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۳۱/۱۶۲
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۸۲/۸۴۲
۱۳۶۰	۶/۹۳	-۴/۷۷۵
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	-۲۴/۵۸۷
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۹/۸۶۸
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۳۱/۱۰۲
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	-۱۴/۳۳۴
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	-۲۷/۴۰۸
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	-۱۶/۸۳۱
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۶۳/۹۵۷
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۲۸/۱۲۸
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۳۲/۶۶
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۲۸/۴۶۶
۱۳۷۱	۵/۴۲	-۹/۷۸۹
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	-۲۷/۷۶۱

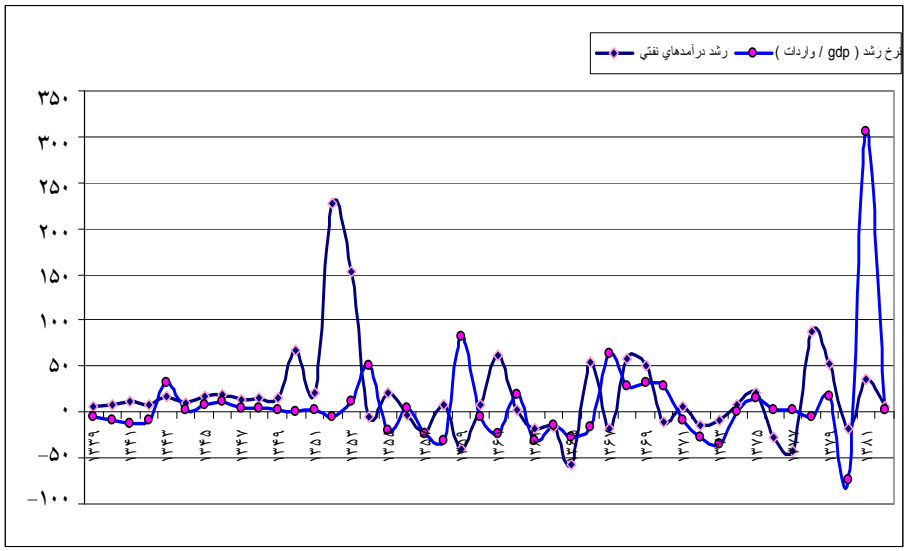
[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

ادامه جدول شماره ۵

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد (GDP / واردات)
۱۳۷۳	-۸/۹۸	-۳۴/۸۲۴
۱۳۷۴	۷/۵۹	۰/۳۰۲
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۱۵/۱۷۸
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۲/۷۰۹
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	۲/۳۹۴
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	-۴/۷۷۲
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۱۷/۴۲۸
۱۳۸۰	-۱۸/۷	-۷۳/۴۸۳
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۳۰۵/۰۵۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۲/۰۱
۱۳۸۳	۵۲/۷	

ضریب همبستگی: ۰/۱۵۵۲

نمودار ۵. مقایسه نرخ رشد (GDP / واردات) با رشد درآمدهای نفتی



ماخذ: ترازنامه بانک مرکزی

بررسی آماری نرخ رشد واردات به تولید ناخالص داخلی و رشد درآمدهای نفتی نشان‌دهندهٔ ارتباط مثبت ولی بسیار ضعیف این دو متغیر است. به‌عبارت دیگر با افزایش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

درآمدهای نفتی، نرخ رشد واردات به تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است ولی برخلاف انتظار این رابطه بسیار ضعیف است.

با افزایش درآمدهای نفتی واردات به شدت رشد یافته است اما به‌دلیل تنگناهای ساختاری اقتصاد سهم این رشد از تولید ناخالص داخلی در مقایسه با رشد درآمد نفت، قابل توجه نبوده است.

۴-۵. درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی

با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولیدکننده کالاهای صادراتی (معمولاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی افزایش یابد.

بررسی آماری دو متغیر رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی (جدول شماره ۶) ضریب همبستگی مثبت بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی را نشان می‌دهد. اما در رابطه با این دو متغیر نیز برخلاف مبانی نظری، این ضریب کمتر از ۵۰ درصد بوده است. در واقع با افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی بسیار کمتر از مقادیر مورد انتظار افزایش یافته است. به بیان دیگر تنگناهای ساختاری در اقتصاد ایران باعث تاثیرپذیری کم رشد اقتصادی از رشد درآمدهای نفتی شده است و تزریق این درآمد فقط افزایش قیمتها را به همراه داشته است.

جدول شماره ۶. مقایسه نرخ رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۳۸	–	
۱۳۳۹	۶/۹۲	۱۰/۳
۱۳۴۰	۸/۷۵	۷/۴
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۶/۴
۱۳۴۲	۷/۶۹	۵/۷
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۷/۵
۱۳۴۴	۹/۳۸	۱۵/۸
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۹/۴
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۰/۸
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۱۲/۲
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۱۲/۷
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۹/۸
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۱۳/۶
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱۶/۷
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۷/۵

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

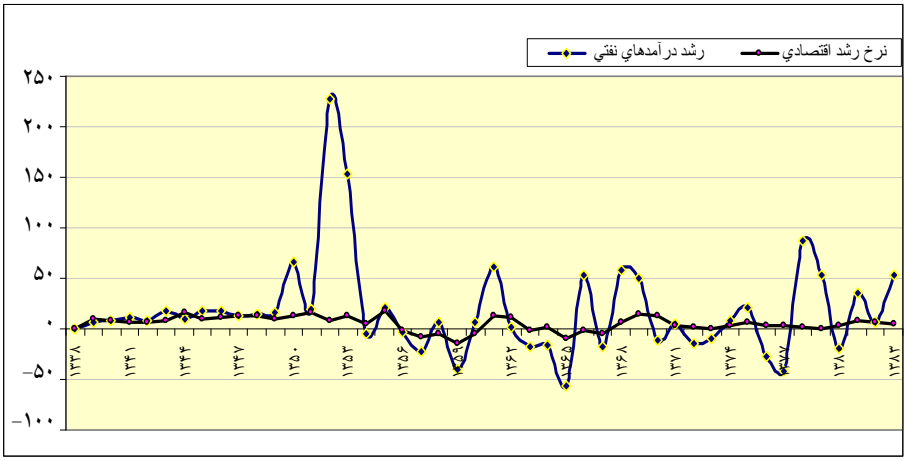
ادامه جدول شماره ۶

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۲/۵
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۴/۸
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	۱۷/۶
۱۳۵۶	-۳/۰۱	-۲/۳
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	-۷/۴
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۴/۲
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	-۱۵/۱
۱۳۶۰	۶/۹۳	-۴/۴
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۱۲/۶
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۱/۱
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۲
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۲
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	-۹/۱
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	-۱
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	-۵/۵
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۵/۹
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۴/۱
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۲/۱
۱۳۷۱	۵/۴۲	۴
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	۱/۵
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۰/۵
۱۳۷۴	۷/۵۹	۲/۹
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۶/۱
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۲/۸
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	۲/۹
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۱/۶
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۰/۵
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۳/۳
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۷/۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۶/۸
۱۳۸۳	۵۲/۷	۴/۸

ضریب همبستگی: ۰/۱۸۲۶-

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

نمودار ۶. مقایسه نرخ رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی



مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی

۶. نتیجه گیری

مطالعات اقتصادی در مورد بیماری هلندی نشان‌دهنده طیف گسترده‌ای از تعاریف در مورد این پدیده است. بیشتر این تعاریف براساس ساختار اقتصادی کشورهای مختلف شکل گرفته است. آنچه از بررسی این پدیده در کشور ما قابل استخراج است به این ترتیب است:

- بررسی این پدیده در کشور ما می‌بایست با توجه به دو ویژگی مهم صورت پذیرد: اول اینکه، دولت انحصار کامل بر درآمدهای حاصل از نفت دارد و به طریق اولی تعیین نحوه جذب منابع حاصل از این درآمدها توسط دولت صورت می‌پذیرد و دوم، برخی از عوارض برشمرده شده برای شناسایی بیماری هلندی را لزوماً نمی‌توان به این بیماری منتسب کرد. شاید این عوارض نشان دهنده بروز مشکل دیگری در اقتصاد است.
- یکی از عوارض مورد اتفاق در اغلب تعاریف مربوط به بیماری هلندی، بروز اختلال در قیمتهای نسبی است. به بیان دیگر با تزریق درآمدهای نفتی پیش‌بینی می‌شود قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شدت افزایش یابد که این امر خود منجر به بروز سفته‌بازی در خصوص کالاهای غیرقابل مبادله می‌شود. بررسی شاخص یادشده در کشور ما به‌دلیل محدودیتهای آماری در مورد تعریف این دو گروه از کالاها با استفاده از متغیرهای جانشین صورت پذیرفته است. استفاده از شاخصهای جانشین استنتاج نتایج قطعی را دشوار می‌کند، اما روند افزایش این شاخص به‌ویژه در سالهای اخیر احتمال وقوع بیماری هلندی را در کشور رد نمی‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

- سایر شاخصهای تبیین‌کننده وجود این بیماری در اقتصاد از کارایی کافی در اقتصاد ایران برخوردار نیستند. به‌طور مثال ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی به‌دلیل حمایتهای گسترده دولت از این بخش، شاخص مناسبی ارزیابی نمی‌شود.
- براساس تعاریف اولیه از بیماری هلندی، بروز این پدیده در اقتصاد توأم با کاهش رشد اقتصادی است. داده‌های آماری موجود در اقتصاد ایران وجود چنین پدیده‌ای را در اقتصاد تأیید نمی‌کند.

به‌رغم تایید نشدن بروز پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران – با استفاده از شاخصهای موجود- تزریق درآمدهای نفتی بیش از قدرت جذب اقتصاد، افزایش داراییهای خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی، رشد نقدینگی، نبودِ توازن تراز بازرگانی و نظایر آنها را به همراه داشته است و بروز این عوارض با هر نامی عواقب زیانباری را به کشور تحمیل کرده است که در این مورد برخی توصیه‌ها ارائه می‌شود:

الف- به‌عنوان یک راه حل کوتاه مدت، اصلی‌ترین سیاست باید برقراری یک نرخ آهسته‌تر برای تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور از بودجه دولت باشد که انضباط در مصرف منابع حساب ذخیره ارزی را طلب می‌کند.

ب- ترکیب مخارج دولتی (که هزینه‌کنندهٔ درآمدهای نفتی است) به شدت بر طرف عرضه اقتصاد تأثیر می‌گذارد. از این‌رو درآمدهای نفتی باید در جهتی خرج شود که به تنوع تولید و صادرات بیانجامد تا در زمان کاهش قیمت نفت یا پایان‌پذیری منابع نفتی، اقتصاد دچار شوک شدید نشود.

ج- یکی از راههای مرسوم برای تخفیف آثار زیانبار بیماری هلندی، کنترل سرعت افزایش تقاضای کل است. این کار می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در خارج یا کاهش سطح بهره‌برداری از ذخایر صورت پذیرد. راه دیگر ایجاد ذخیره ارزی برای مواقع بحرانی است. در کشور ما راه سوم انتخاب شده است، در این راستا بر برداشت نکردن از این حساب و به‌ویژه تزریق نکردن آن از طریق بخش دولتی تأکید می‌شود.

د- ایجاد پروژه‌های عظیم و سرمایه‌بر، در کوتاه‌مدت یکی از راههای تعدیل آثار تزریق درآمد نفت به اقتصاد تلقی می‌شود، ولی باید توجه کرد که این سیاست به آسیب‌پذیری و وابستگی صنایع به قیمتهای نفت که یک متغیر برونزا و خارج از کنترل است می‌انجامد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]

منابع

الف) فارسی

بختیاری، صادق (۱۳۸۰)، "بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی"، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز.

جودری، دانیس و اختر حسین (۱۳۸۲)، *سیاستهای پولی و مالی در کشورهای در حال توسعه رشد و ثبات*، ترجمهٔ محمد آسیایی و مسعود باباخانی تهران، پژوهشکده امور اقتصاد ملی.

شهشهانی، احمد (۱۳۵۷)، *الگوی اقتصادسنجی و کاربردهای آن*، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.

فردمنش، محسن (۱۳۷۰)، *تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

کهزادی، نوروز (۱۳۸۴)،"بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴ صفحات ۱۴-۱۱.

گلریز، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ *توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی*، انگلیسی-فارسی، ویرایش ۲، تهران، فرهنگ معاصر.

نصری، قدیر (۱۳۸۰)، *نفت و امنیت ملی*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یدا ...زاده طبری، ناصر (۱۳۷۹)، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، خرداد و تیر.

ب) انگلیسی

Rutherford, Donald, (2002) *Routledge Dictionary of Economics* [Second Edition], New York,: Routledge, Taylor and Francis Group.

Rick lam, Leonard Wantchekon (2002), "Political Dutch Diseas", November.

ج) سایت

www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-01]